

# سال تحول عظیم

به مناسبت دوازدهمین سال انقلاب اکتبر

و. ی. استالین

انتشارات حزب کار ایران (توفان)  
فروردین ۱۳۸۹



# سال تحول عظیم

به مناسبت دوازدهمین سال انقلاب اکتبر

و. ی. استالین

انتشارات حزب کار ایران (توفان)  
فروردین ۱۳۸۹

## فهرست

	سال تحول عظیم
۲	به مناسبت دوازدهمین سال انقلاب اکتبر
۳	۱ - در رشته‌ی بازده کار
۴	۲ - در رشته‌ی ساختمان صنایع
۷	۳ - در رشته‌ی ساختمان کشاورزی
۱۴	نتیجه

# سال تحول عظیم

## به مناسبت دوازدهمین سال انقلاب اکتبر

سال گذشته در تمام جبهه‌های ساختمان سوسیالیستی، سال تحول عظیم بود. این تحول تحت شعار تعرض قطعی سوسیالیسم بر عناصر سرمایه‌داری شهر و ده انجام یافته و می‌یابد. علامت مشخصه‌ی این تعرض این است که در اثر آن، ما در رشته‌های اساسی تجدید ساختمان (رکونستروکسیون) سوسیالیستی اقتصاد ملی، هم اکنون به یک رشته موفقیت‌های قطعی نائل گردیده‌ایم. از اینجا چنین بر می‌آید که حزب به طور مؤثری توانست از عقب نشینی در مراحل اولیه‌ی نپ استفاده نماید. برای آن که بعداً در مراحل بعدی آن، این تحول را سازمان داده و بر عناصر سرمایه‌داری با موفقیت تعرض نماید. هنگامی که نپ معمول می‌شد لنین چنین گفت:

« ما حالا عقب نشینی می‌کنیم، به نظر می‌آید که ما به عقب می‌رویم، ولی ما این عمل را برای این انجام می‌دهیم که ابتدا میدان و سپس سرعت گرفته با نیروی بیش تری به جلو جستن نماییم. فقط به این یک شرط است که ما با اجرای سیاست اقتصادی نوین خود به عقب برگشتیم... تا پس از عقب نشینی، سرسخت‌ترین تعرض را به جلو آغاز نماییم. » (رجوع به جلد ۲۷، ص. ۳۶۱ - ۳۶۲ چاپ روسی).

نتایج سال طی شده به طور یقین حاکی از آنند که حزب در کارهای خود این دستورات لنین را با موفقیت اجرا می‌نماید. هرگاه نتایج سال طی شده را در قسمت ساختمان اقتصادی، که برای ما حائز اهمیت قطعی می‌باشد، در نظر بگیریم، در این صورت، موفقیت‌های تعرض ما را در این جبهه و موفقیت‌های ما را در جریان سال طی شده می‌توان به سه قسمت اصلی منقسم نمود

## در رشته‌ی بازده کار

مشکل بتوان شکی داشت که یکی از مهم ترین واقعیت‌ها در امر ساختمان ما و شاید هم مهم ترین آنها اینست که ما در رشته‌ی بازدهی کار موفق به تحول قطعی گردیده‌ایم. این تحول به صورت توسعه‌ی ابتکار خلاقه و غلیان نیرومند میلیون‌ها توده‌ی طبقه‌ی کارگر در کار در جبهه‌ی ساختمان سوسیالیستی منعکس گردید. نخستین موفقیت اساسی ما در سال طی شده در این است. توسعه‌ی ابتکار خلاقه و شوق توده‌ها به کار در سه رشته‌ی اساسی تهیج و ترغیب می شد:

(الف) در رشته‌ی مبارزه با بوروکراتیسم که ابتکار و فعالیت افراد را در کار متوقف می سازد - از طریق انتقاد از خود؛  
 (ب) در رشته‌ی مبارزه با طفره روندگان از کار و مخربین انضباط پرولتاریائی کار - از طریق مسابقه‌ی سوسیالیستی؛ و بالاخره  
 (ج) در رشته‌ی مبارزه با کندی و رکود در تولید - از طریق کار متوالی در هفته<sup>۱</sup> بالنتیجه ما در جبهه‌ی کار از لحاظ جوش و خروشی که در کار پیدا شده و تبادل تجربیاتی که در بین میلیون‌ها توده‌ی طبقه‌ی کارگر در تمام اطراف و اکناف کشور پهناورمان می شود، به موفقیت عظیمی نائل گردیده‌ایم. و اما اهمیت این موفقیت در حقیقت برون از ارزش است زیرا فقط غلیان و شور و شغف میلیون‌ها توده در کار قادر است صعود دائمی بازدهی کار را که بدون آن پیروزی قطعی سوسیالیسم بر سرمایه‌داری مفهومی ندارد، تأمین نماید.  
 لنین می گوید:

« بازدهی کار، در حقیقت برای پیروزی رژیم اجتماعی جدید مهم ترین و اساسی ترین شرط است. سرمایه‌داری آن بازدهی کار را به وجود آورد که در دوره‌ی سرواژ سابقه نداشت. سرمایه‌داری نیز بدین طریق می تواند به طرزی قطعی منکوب گردد و منکوب هم

---

<sup>۱</sup> - ۱ - کار متوالی یعنی کار لاینقطع در هفته - مؤسسات و بنگاه‌ها هر روز کار می کنند ولی کارگران به نوبت در هر چند روز یک روز از مرخصی استفاده می نمایند. (مترجم)

خواهد گشت که سوسیالیسم بازدهی نوین و به مراتب عالی تری در کار به وجود می آورد. » (رجوع به جلد ۲۴ ص. ۳۴۲ - چاپ روسی)

با استناد به این موضوع لنین معتقد است که:

« ما باید آن شور و شغف و اراده و سرسختی را در کار ابراز داریم که اکنون نجات هر چه زودتر کارگران و دهقانان و نجات اقتصاد ملی ما وابسته به آنست. » (رجوع شود به جلد ۲۵ ص. ۴۷۷)

این است آن وظیفه‌ای که لنین در برابر حزب نهاده است. سال طی شده نشان داد که حزب این وظیفه را با موفقیت اجرا می نماید و بر مشکلات واقعه، در این راه به طرزی قطعی فائق می آید. اولین موفقیت مهم حزب در جریان سال طی شده از این قرار است.

## ۲

### در رشته‌ی ساختمان صنایع

دومین موفقیت حزب ارتباط بلاواسطه‌ای با موفقیت نخستین دارد. این موفقیت دوم حزب در آن است که در جریان سال طی شده ما توانستیم به طور کلی مسئله‌ی تجمع سرمایه را برای ساختمان اساسی صنایع سنگین به طور مساعدی حل کنیم آهنگ سریع تری در پیشرفت تولید وسائل تولید پیش گرفتیم و مقدماتی را فراهم ساختیم که کشورمان را بدل به کشور فلز بنمائیم. دومین موفقیت اساسی ما در سال طی شده در این است.

مسئله‌ی صنایع سبک مشکلات خاصی را در بر ندارد. این مسئله را ما چند سال قبل حل کرده‌ایم، مسئله‌ی مشکل تر و مهم تر، صنایع سنگین است. این مسئله از این جهت مشکل تر است که مبالغ هنگفتی اعتبار لازم دارد، به علاوه، به طوری که تاریخ کشورهای که از لحاظ صنعت عقب مانده هستند، نشان

می‌دهد، کار صنایع سنگین بدون وام‌های هنگفت و دراز مدت از پیش نمی‌رود. از این جهت مهم‌تر است که بدون توسعه‌ی صنایع سنگین ما قادر به ساختمان هیچ‌گونه صنایعی نخواهیم بود و به هیچ وجه نمی‌توانیم صنعتی کردن را عملی نمائیم. و چون ما خواه وام‌های دراز مدت و خواه اعتبارهائی برای مدت کم و بیش طولانی در اختیار نداشته و نداریم، اشکال قضیه برای ما از واضح هم واضح‌تر می‌شود. سرمایه‌داران کلیه‌ی کشورها هنگامی که از دادن وام و اعتبار به ما خودداری می‌نمایند همانا این موضوع را در نظر گرفته و تصور می‌کنند که ما با نیروهای خصوصی خود از عهده‌ی مسئله‌ی جمع‌آوری سرمایه بر نیامده، در موضوع تجدید ساختمان صنایع سنگین دچار ناکامی گشته و ناچار سر تسلیم و بندگی در مقابل آنها فرود خواهیم آورد.

حال به بینیم نتایج سال طی شده در این باره به ما چه می‌گویند. اهمیت نتایج سال طی شده در اینست که این نتایج حساب‌های حضرات سرمایه‌داران را نقش بر آب می‌نماید. سال طی شده نشان داد که با وجود محاصره‌ی مالی علنی و مخفی اتحاد شوروی، ما تن به اسارت سرمایه‌داران ندادیم و مسئله‌ی جمع‌آوری سرمایه را با نیروهای خصوصی خود موفقانه حل کردیم و اساس صنایع سنگین را بنیان نهادیم. این موضوع را اکنون حتی دشمنان دو آتشی طبقه‌ی کارگر هم نمی‌توانند انکار نمایند. در حقیقت هم، اگر در سال گذشته سرمایه‌ی اساسی که برای صنایع سنگین به کار رفته بود مبلغی متجاوز از یک میلیارد و ششصد میلیون روبل را تشکیل می‌داد که در ضمن قریب یک میلیارد و سیصد میلیون روبل آن صرف صنایع سنگین گردیده بود و سرمایه‌ی اساسی امسال مبلغی متجاوز از ۳ میلیارد و ۴۰۰ میلیون روبل را تشکیل می‌دهد که ضمناً مبلغی متجاوز از ۲ میلیارد و ۵۰۰ میلیون روبل آن به مصرف صنایع سنگین خواهد رسید؛ اگر محصول عمومی صنایع سنگین در سال گذشته ۲۳ درصد افزایش یافته بود و ضمن آن افزایش صنایع سنگین سی درصد بود، و محصول عمومی صنایع سنگین در سال جاری باید ۳۲ درصد افزایش یابد که ضمن آن افزایش صنایع سنگین ۴۶ درصد باشد؛ در این صورت مگر واضح نیست که مسئله‌ی جمع‌آوری سرمایه جهت ساختن صنایع سنگین برای ما مشکلاتی را در بر ندارد که نتوان بر آن فائق آمد. چه گونه می‌توان تردید داشت که ما با قدم‌های تسریع شده به سمت توسعه‌ی صنایع سنگینمان پیشروی کرده از آهنگی که سابق داشتیم جلو افتاده و عقب ماندگی "دیرین" را پشت سر می‌گذاریم؟

پس از تمام مطالب مذکور در فوق، آیا جای تعجبی وجود دارد که در سال گذشته، از آن چه در نقشه‌ی پنج ساله پیش بینی شده بود، تجاوز کردیم و به شق حداکثر نقشه‌ی پنج ساله که میرزا بنویس‌های بورژوازی آن را "توهمی



صعب الوصول" پنداشته و اپورتونیست‌های راست ما (دسته‌ی بوخارین) از آن به وحشت می‌افتند، در عمل به شق حداقل نقشه‌ی پنج ساله بدل گردید؟  
لنین می‌گوید:

« راه نجات برای روسیه نه تنها خوبی محصول در اقتصاد دهقانی است (این هنوز کافی نیست) و نه تنها بهبود وضع صنایع سبک است، که مایحتاج دهقانان را در دسترس آنها قرار می‌دهد (این هم هنوز کافی نیست)، برای ما علاوه بر این صنایع سنگین لازم است... بدون نجات صنایع سنگین و بدون احیای آن ما موفق به ساختمان هیچ‌گونه صناعی نشده، و بدون آن هم ما اساساً موجودیت خود را به منزله‌ی یک کشور مستقل از دست خواهیم داد... صنایع سنگین محتاج به مساعده‌های دولتی است. اگر ما این مساعده‌ها را به دست نیآوریم دیگر موجودیت خود را به منزله‌ی یک دولت متمدن - من دیگر نمی‌گویم سوسیالیستی - از دست داده‌ایم. » (رجوع به جلد ۲۷ ص. ۳۴۹ چاپ روسی).

ملاحظه می‌کنید که لنین در افاده‌ی مسئله‌ی جمع‌آوری سرمایه و وظیفه‌ی حزب نسبت به ساختمان صنایع سنگین تا چه حد صراحت نشان می‌دهد. سال طی شده نشان داد که حزب با موفقیت از عهده‌ی این وظیفه بر می‌آید و همه و هر گونه مشکلاتی را به طرزی قطعی از سر راه بر می‌دارد. البته معنی این آن نیست که دیگر برای صنایع مشکلات جدی وجود نخواهد داشت. مسئله‌ی ساختمان صنایع سنگین تنها با مسئله‌ی تجمع سرمایه تماس ندارد. این مسئله هم چنین با مسئله‌ی کادرها و مسائل دیگری هم تماس دارد که عبارتست از:

الف) جلب ده‌ها هزار تکنیسین و متخصصین ذیعلاقه به رژیم شوروی در ساختمان سوسیالیستی و

ب) تربیت تکنیسین‌ها و متخصصین جدید سرخ از بین افراد طبقه‌ی کارگر. اگر هم مسئله‌ی تجمع سرمایه را بتوان اساساً حل شده محسوب نمود در عوض مسئله‌ی کادرها هنوز در انتظار راه حل خود می‌باشد. و مسئله‌ی کادرها هم اکنون، در شرایط تجدید ساختمان فنی صنایع، قطعی‌ترین مسئله‌ی ساختمان سوسیالیستی می‌باشد.  
لنین می‌گوید:

« چیز عمده‌ای که ما آن را کم داریم - سطح فرهنگ و فن اداره کردن است... نی از لحاظ اقتصادی و سیاسی امکان ساختمان بنیان اقتصاد سوسیالیستی را برای ما کاملاً تأمین می نماید. موضوع "فقط" بر سر نیروی فرهنگی پرولتاریا و پیش آهنگ آنست. » (رجوع به جلد ۲۷ ص. ۲۰۷ چاپ روسی).

بدیهیست که در اینجا موضوع قبل از همه بر سر مسئله‌ی "نیروهای فرهنگی" و مسئله‌ی کادرها برای ساختمان اقتصادی، عموماً و برای ساختمان و اداره کردن صنایع، خصوصاً می باشد.

ولی از اینجا چنین بر می آید که با وجود مهم ترین موفقیت‌های حاصله در رشته‌ی جمع آوری سرمایه، که برای صنایع سنگین واجد اهمیت حیاتی می باشد، مادام که مسئله‌ی کادرها حل نشود ساختمان صنایع سنگین را نمی توان تماماً حل شده دانست.

از اینجا این وظیفه برای حزب ناشی می شود: باید جداً به مسئله‌ی کادرها پرداخت و به هر قیمتی هست این دژ را به تصرف در آورد. چنین است امر موفقیت دوم حزب در جریان سال طی شده.

### ۳

## در رشته‌ی ساختمان کشاورزی

بالاخره درباره‌ی سومین موفقیت حزب در جریان سال گذشته که با دو موفقیت اولیه ارتباط لاینفکی دارد. سخن بر سر آن تحول اساسی است که در زراعت ما ضمن تکامل از اقتصاد عقب مانده‌ی منفرد به زراعت بزرگ پیش افتاده و اشتراکی، به کشت دسته جمعی زمین، به ایستگاه‌های ماشین و تراکتور، به آرئل و کلخوز که متکی بر تکنیک نوین می باشند و بالاخره به سوخوزهای عظیم که مجهز به صدها تراکتور و کمباین می باشند، تکامل یافته، روی داده است. در اینجا موفقیت حزب این است که ما در یک رشته از نواحی موفق شدیم توده‌های اساسی دهقانان را از راه قدیم تکامل سرمایه‌داری که از آن فقط یک

مشت متمولین و سرمایه‌داران بهره‌مند می‌گردند و اکثریت عظیم دهقانان مجبورند به حال گدائی زندگی نمایند، به راه جدید تکامل سوسیالیستی برگردانیم که متمولین و سرمایه‌داران را طرد می‌کند و دهقانان میانه حال و تهیدست را به طرز جدید تجدید سلاح نموده، آنها را با ابزارهای جدید، با تراکتورها و ماشین‌های کشاورزی مسلح می‌نماید تا بدین وسیله بدانها امکان بدهد که از گدائی و اسارت کولاک‌ها رهائی یافته، به جاده‌ی پهناور کشت و کار مشترک و دسته‌جمعی وارد گردند. موفقیت حزب در اینست که ما موفق شدیم این تحول اساسی را در اعماق خود دهقانان سازمان داده و توده‌های وسیع دهقانان تهیدست و میانه حال را علی‌رغم مشکلات غیر قابل تصور و علی‌رغم مقاومت سبعانه‌ی انواع و اقسام نیروهای سیاه از کولاک‌ها و کشیش‌ها گرفته تا افراد خودپسند و کوتاه فکر و اپورتونیست‌های راست، به دنبال خود ببریم.

اینک ارقامی چند: در سال ۱۹۲۸، مساحت اراضی مزروعی سوخوزها شامل یک میلیون و ۴۲۵ هزار هکتار با محصول غله‌ی کالائی متجاوز از ۶ میلیون کنتال (بیش از ۳۶ میلیون پوط) و مساحت اراضی مزروعی کلخوزها شامل یک میلیون و ۳۹۰ هزار هکتار با محصول غله‌ی کالائی قریب ۳،۵ میلیون کنتال (بیش از بیست میلیون پوط) بود. در سال ۱۹۲۹، مساحت اراضی مزروعی سوخوزها یک میلیون و ۸۱۶ هزار هکتار با محصول غله‌ی کالائی قریب ۸ میلیون کنتال (قریب ۴۷ میلیون پوط) و مساحت اراضی مزروعی کلخوزها شامل چهار میلیون و ۲۶۲ هزار هکتار با محصول غله‌ی کالائی قریب ۱۳ میلیون کنتال (قریب ۷۸ میلیون پوط) بود. در سال ۱۹۳۰، که فرامی‌رسد، مساحت اراضی مزروعی سوخوزها، طبق ارقام بازرسی شده، باید مساحتی را بالغ بر ۳ میلیون و ۲۸۰ هزار هکتار با محصول غله‌ی کالائی معادل ۱۸ میلیون کنتال (قریب ۱۱۰ میلیون پوط) تشکیل دهد و مساحت اراضی مزروعی کلخوزها باید پانزده میلیون هکتار با محصول غله‌ی کالائی معادل ۴۹ میلیون کنتال (قریب ۳۰۰ میلیون پوط) را تشکیل دهد. به عبارت دیگر در سالی که فرامی‌رسد غله‌ی کالائی سوخوزها و کلخوزها باید عبارت باشد از مقداری متجاوز از ۴۰۰ میلیون پوط یعنی متجاوز از ۵۰ درصد محصول غله‌ی کالائی کلیه‌ی اقتصاد روستائی (بدون در نظر گرفتن داد و ستد دهات).

باید معترف بود که چنین آهنگ پر شوری را در سرعت تکامل حتی صنایع بزرگ سوسیالیستی شده‌ی ما هم که آهنگ تکاملش به طور کلی به وسعت میدان نوسان معروف است، به خود ندیده است.

مگر واضح نیست که کشاورزی جوان بزرگ سوسیالیستی (کلخوزی و سوخوزی) ما آینده‌ی درخشانی را در پیش دارد و از لحاظ رشد و افزایش، معجزاتی را از خود به ظهور خواهد رساند؟

این موفقیت بی سابقه در رشته‌ی ساختمان کلخوزی معلول یک سلسله دلائلی است که از بین آنها باید لااقل دلائل زیرین را قید نمود.

دلیل این موفقیت قبل از همه این است که حزب سیاست لنینی تربیت توده را به موقع اجرا گذارده، توده‌های دهقانان را از طریق ایجاد بنگاه‌های کئوپراتیفی متوالیاً به طرف کلخوزها جلب نموده است. دلیل این موفقیت این است که حزب چه علیه‌ی آنهایی که تلاش می‌کردند بر نهضت سبقت جست، توسعه‌ی کلخوزها را با صدور احکام تأمین نمایند (یاوه سران "چپ")، و چه علیه‌ی آنهایی که تلاش می‌کردند حزب را عقب بکشند و خود عقب نهضت بیافتند (لابالی‌های راست)، مبارزه‌ی موفقیت آمیزی را مجری داشت. بدون چنین سیاستی حزب نمی‌توانست نهضت کلخوزی را به یک نهضت واقعی توده‌ای خود دهقانان بدل نماید.

لنین می‌گوید:

« وقتی که پرولتاریای پطروگراد و سربازان پادگان آنجا، قدرت را به دست می‌گرفتند، به خوبی می‌دانستند که در راه ساختمان روستا با مشکلات بزرگی روبرو می‌گردند؛ که در این مورد باید با تدریج بیشتری پیشروی کنند؛ که در اینجا تلاش برای عملی کردن کشت و زرع اجتماعی از طریق احکام و قوانین، کاری است بسیار مهم؛ که فقط تعداد قلیلی از افراد آگاه ممکن بود در این راه وارد گردند و حال آن که اکثریت عظیم دهقانان چنین وظیفه‌ای برای خود قائل نبودند و بدین سبب ما به آن چه که برای توسعه‌ی انقلاب ضرورت مطلق داشت، اکتفا می‌کردیم: به هیچ وجه بر تکامل توده‌ها سبقت نجستن و منتظر آن شویم که جنبش برای پیشروی، از تجربه‌ی شخصی این توده‌ها، از طریق مبارزه‌ی شخصی آنها برون به روید. » (جلد ۲۳ ص. ۲۵۲ چاپ روسی).

اگر حزب در جبهه‌ی ساختمان کلخوزی بزرگ‌ترین پیروزی‌ها را به دست آورد دلیلش این است که این دستور تاکتیکی لنین را دقیقاً به مورد اجرا گذارد.

دلیل دوم این موفقیت بی سابقه در امر ساختمان کشاورزی این است که حکومت شوروی احتیاج روز افزون دهقانان را با ابزار و آلات جدید، تکنیک جدید به طور صحیحی در نظر گرفت، وی موقعیت غیر قابل علاج توده‌ی دهقانان را با وجود شکل‌های قدیمی کشت و زرع به طور صحیحی در نظر گرفت، و با در نظر گرفتن کلیه‌ی این عوامل برای کمک به آنها به موقع سازمان‌هایی را به صورت مراکز کرایه، ستون‌های تراکتور، استاسیون‌های ماشین و تراکتور، به صورت سازمان کشت و زرع اجتماعی زمین، به صورت

ایجاد کلخوزها و بالاخره به صورت کمک جامع به اقتصاد روستائی با نیروی سوخوزها، تشکیل داد. در تاریخ بشریت برای اولین بار قدرت حاکمهای پا به عرصه‌ی وجود گذاشت که در عمل آمادگی و استعداد خود را برای اعمال کمک مرتب و طولی‌المدت در کار تولید به توده‌های زحمتکش دهقان به ثبوت رسانید و این قدرت حاکمهای شوراهای است. مگر واضح نیست که توده‌های زحمتکش دهقان که از قدیم‌الایام از فقدان آلات و ابزار کشاورزی رنج می‌برند، نمی‌توانستند به این کمک متوسل نشوند و در راه نهضت کلخوزی قرار نگیرند؟ و مگر در این قسمت جای تعجبی وجود دارد که از این پس شعار قدیمی کارگران: "به سمت ده" شاید با شعار جدید دهقانان کلخوزی: "به سمت شهر" تکمیل خواهد شد؟

بالاخره علت این موفقیت بی‌سابقه در امر ساختمان کلخوزی این است که کارگران پیشرو کشور ما این کار را به دست خود گرفتند. منظور من بریگادهای کارگرانی است که ده‌ها و صدها از آنها در نواحی اصلی کشور ما پراکنده‌اند. باید معترف بود که از بین تمام پروپاگانديست‌های موجوده و ممکنه‌ی نهضت کلخوزی، پروپاگانديست‌های کارگر بهترین پروپاگانديست‌ها در بین توده‌ی دهقانان می‌باشند. چه جای تعجبی ممکن است موجود باشد در این که کارگران موفق شده‌اند دهقانان را متقاعد نمایند که اقتصاد اشتراکی بزرگ بر اقتصاد انفرادی کوچک ترجیح دارد به خصوص که کلخوزها و سوخوزهای موجود نمونه‌ی بارز این برتری می‌باشند؟.

موفقیت ما در رشته‌ی ساختمان کلخوزی، موفقیتی که به عقیده‌ی من مهم‌ترین و قطعی‌ترین موفقیت‌های سال‌های اخیر است، در چنین زمینه‌ای نشو و نما یافته است.

ایرادهای "علم" علیه‌ی امکان و صلاح تأسیس فابریک‌های بزرگ غله برای ۵۰ تا ۱۰۰ هزار هکتار در هم ریخت و پراکنده شد. عمل، ایرادات "علم" را رد کرد، به این ترتیب که یک بار دیگر نشان داد که نه فقط عمل است که باید از "علم" چیز بیاموزد، بلکه هیچ ضرری ندارد که "علم" هم از عمل چیزهایی فرا گیرد. در کشورهای سرمایه‌داری ایجاد فابریک‌های عظیم غله عملی نیست. ولی کشور ما کشور سرمایه‌داری نیست. این اختلاف "کوچک" را نباید فراموش کرد. آنجا در کشورهای سرمایه‌داران، بدون خریداری یک سلسله از قطعات زمین یا بدون پرداخت حق‌الارض مطلق که، طبعاً نمی‌تواند مخرج هنگفتی را بر تولید تحمیل ننماید، تشکیل فابریک بزرگ غله امکان پذیر نیست، چه در آنجا مالکیت خصوصی بر زمین وجود دارد. در کشور ما برعکس نه حق‌الارض مطلق وجود دارد و نه خرید و فروش قطعات زمین و این موضوع نمی‌تواند برای توسعه‌ی بنگاه‌های بزرگ بهره‌برداری غله شرایط مساعدی را

ایجاد ننماید، چون در کشور ما مالکیت خصوصی بر زمین وجود ندارد. آنجا، در کشورهای سرمایه‌داران، منظور از بنگاه‌های بزرگ بهره‌برداری غله، به دست آوردن حداکثر سود یا لااقل آن سودیست که مطابق با سود به اصطلاح متوسط باشد که بدون آن اصولاً برای سرمایه صرفه ندارد دست به تشکیل بنگاه‌های بهره‌برداری غله بزند. در کشور ما برعکس بنگاه‌های بزرگ بهره‌برداری غله، که در آن واحد جزو اقتصادیات دولتی می‌باشند، برای توسعه‌ی خود نه احتیاج به حداکثر سود دارند و نه به سود متوسط بلکه می‌توانند به حداقل سود اکتفا نمایند و گاهی هم هیچ‌گونه سودی نبرند، که خود این هم باز شرایط مساعدی را برای توسعه‌ی بنگاه‌های بزرگ بهره‌برداری غله فراهم می‌نماید. بالاخره در شرایط سرمایه‌داری برای بنگاه‌های بزرگ بهره‌برداری غله نه امتیاز مخصوصی در اعتبارات و نه مزایائی در پرداخت مالیات هست و حال آن که با ترتیباتی که در کشور شوروی به وجود آمده و برای پشتیبانی از بخش سوسیالیستی کشور منظور شده است این‌گونه مزایا وجود داشته و خواهد داشت. تمام اینها را حضرت "علم" فراموش کرده‌اند.

تأکیدات اپورتونیست‌های راست (دسته‌ی بوخارین) دائر بر این که، الف) دهقانان به کلخوز نخواهند رفت، ب) آهنگ سریع توسعه‌ی کلخوزها فقط می‌تواند موجبات عدم رضایت و جدائی دهقانان را از توده‌ی کارگر فراهم نماید، ج) "شاهراه" توسعه‌ی سوسیالیستی در ده، کلخوزها نبوده، بلکه کئوپراسیون می‌باشد، د) توسعه‌ی کلخوزها و تعرض به عناصر سرمایه‌داری ده ممکن است کشور را بدون غله بگذارد، درهم ریخت و برباد رفت. تمام اینها به منزله‌ی زباله‌ی بورژوا لیبرالی فرو ریخت و برباد رفت.

اولاً، دهقانان وارد کلخوز شدند و دهات، قصبات و بخش‌ها به طور یکجا وارد آن شدند.

ثانیاً، نهضت توده‌ای کلخوزی پیوند را ضعیف نمی‌کند بلکه آن را تقویت می‌نماید و یک اساس تولیدی نوینی به آن می‌دهد. اکنون حتی کورها هم می‌بینند که اگر بعضی نارضایتی‌های جدی هم در بین توده‌های عمده‌ی دهقانان وجود دارد مربوط به سیاست کلخوزی حکومت شوروی نیست، بلکه علتش آن است که حکومت شوروی نمی‌تواند در امر تأمین دهقانان از لحاظ ماشین و تراکتور خود را به رشد نهضت کلخوزی برساند.

ثالثاً، درباره‌ی "شاهراه" توسعه‌ی سوسیالیستی در ده، یک بحث اسکولاستیک است که شایسته‌ی لیبرال‌های جوان خرده بورژوا از نوع آیشنوالد و اسلپکوف می‌باشد. واضح است که تا وقتی نهضت توده‌ای کلخوزی وجود نداشت "شاهراه" همانا شکل‌های پست کئوپراسیون یعنی کئوپراسیون تهیه و فروش بود. ولی وقتی شکل عالی کئوپراسیون یعنی شکل کلخوزی آن به

عرصه‌ی ظهور آمد، این شکل اخیر "شاهراه" ترقی گردید. اگر بخواهیم کلمه‌ی شاهراه را بدون گیومه استعمال کنیم، باید بگوئیم که این شاهراه عبارت از نقشه‌ی کنوپراتیوی لنین می باشد که شامل تمام شکل‌های کنوپراسیون کشاورزی از پست ترین آنها (تهیه و فروش) تا عالی ترین (تولیدی - کلخوزی) آن است. کلخوز را مقابل کنوپراسیون قرار دادن به معنی تمسخر لنینیسم و اقرار بر جهالت ذاتی خویشان است.

رابعاً، اکنون حتی کورها هم می بینند که بدون تعرض نسبت به کولاک‌ها در ده و بدون توسعه‌ی نهضت کلخوزی و سوخوزی ما حالا نه آن موفقیت‌های قطعی را که در جریان سال جاری در امر تدارک غله به دست آورده‌ایم، داشتیم و نه آن ده‌ها میلیون ذخیره‌ی غله مصون از مصرف را که اکنون در اندوخته‌ی دولت می باشد. علاوه بر این با اطمینان می توان گفت که ما در پرتو رشد نهضت کلخوزی و سوخوزی به طور قطعی از بحران غله خلاص می شویم یا دیگر خلاص شده‌ایم. و هر آینه توسعه‌ی کلخوزها و سوخوزها با آهنگ سریع تری پیش برود، در این صورت هیچ اساسی برای شک موجود نیست که کشور ما پس از دو سه سال یکی از غله خیزترین کشورها و شاید هم غله خیزترین آنها خواهد شد.

خاصیت نوین نهضت کلخوزی فعلی چیست؟ خاصیت نوین و قطعی نهضت کلخوزی فعلی اینست که دهقانان مانند سابق به صورت دستجات منفرد به کلخوز داخل نشده، بلکه قصبات، بخش‌ها، نواحی و حتی شهرستان‌ها به طور یکجائی داخل می گردند. معنی این چیست؟ معنی این آن است که دهقان میانه حال به کلخوز روی آورده است. این است پایه‌ی آن تغییر اساسی در توسعه‌ی کشاورزی که مهم ترین موفقیت حاکمیت شوروی را در سال گذشته تشکیل می دهد.

"نظریه‌ی" منشویکی ترسکیسم دائر بر این که طبقه‌ی کارگر لیاقت ندارد توده‌ی اصلی دهقانان را در امر ساختمان سوسیالیسم به دنبال خود ببرد، درهم شکسته و متلاشی می گردد. اکنون حتی کورها هم می بینند که دهقان میانه حال به جانب کلخوز برگشته است. اکنون بر همه واضح است که نقشه‌ی پنج ساله‌ی صنایع و کشاورزی، نقشه‌ی پنج ساله‌ی ساختمان جامعه‌ی سوسیالیستی است. و افرادی که به امکان ساختمان سوسیالیسم در کشور ما ایمان ندارند، حق آن را ندارند که نقشه‌ی پنج ساله‌ی ما را شادباش گویند.

آخرین امید سرمایه‌داران کلیه‌ی کشورها که آرزوی احیاء سرمایه‌داری؛ "اصول مقدس مالکیت خصوصی"؛ را در اتحاد شوروی در سر می پروراندند، درهم ریخته و برباد می رود. دهقانان، که سرمایه‌داران آنها را به منزله‌ی کود تقویت کننده‌ی زمین برای سرمایه‌داری محسوب می دارند، دسته دسته پرچم

"مالکیت خصوصی" را که این همه از آن تمجید و تحسین شده بود ترک گفته، به راه دسته جمعی کردن کشاورزی، به راه سوسیالیسم قدم می گذارند. آخرین امید احیاء سرمایه‌داری فرو می ریزد.

همین هم، در ضمن، یکی از علل تلاش‌های مذبوحانه‌ی عناصر سرمایه‌داری کشور ما است که می خواهند تمام نیروهای جهان کهن را علیه‌ی تعرض سوسیالیسم برانگیزند، تلاش‌هایی که کار را به تشدید مبارزه‌ی طبقاتی می کشد. سرمایه نمی خواهد در سوسیالیسم "وارد گردد".

همین موضوع را باید علت آن زوزه‌ی خشم آلودی دانست که سگان نگهبان سرمایه از قبیل انواع استرووه‌ها و هسن‌ها، میلیوگف‌ها و کرنسکی‌ها، دان‌ها و آبراموویچ‌ها در این اواخر بر ضد بلشویسم بلند نموده‌اند. شوخی نیست: آخرین امید احیاء سرمایه‌داری محو می شود.

آیا این خشم و غضب سبعانه‌ی دشمنان طبقاتی و این زوزه‌ی سرسام آور غلامان سرمایه به چه چیزی گواهی می دهد جز این که حزب در مشکل ترین جبهه‌های ساختمان سوسیالیستی حقیقتاً به پیروزی قطعی نائل گشته است؟  
لنین می گوید:

« فقط در صورتی که نشان دادن رجحان کشت و زرع اجتماعی، دسته جمعی، اشتراکی و آرتلی زمین به دهقانان عملاً میسر بشود، فقط در صورتی که کمک از طریق اقتصاد اشتراکی و آرتلی به دهقانان میسر بشود، تنها در آن زمان طبقه‌ی کارگر که اقتدار دولتی را در دست خود دارد، حقیقتاً حقانیت خود را به دهقان اثبات خواهد کرد و حقیقتاً میلیون‌ها توده‌ی دهقانی را به طور پایدار و به طرز واقعی به طرف خویش جلب خواهد نمود. » (رجوع به جلد ۲۴ ص. ۵۷۹ چاپ روسی).

لنین مسئله‌ی مربوط به طرق جلب میلیون‌ها توده‌ی دهقانی را به طرف طبقه‌ی کارگر، طریق انتقال دهقانان به راه ساختمان کلخوزی را بدین گونه طرح می نماید.

سال گذشته نشان داد که حزب با موفقیت از عهده‌ی انجام این وظیفه بر می آید و با قطعیت تمام مشکلات را از سر این راه بر می دارد.  
لنین می گوید:

« دهقان میانه حال در جامعه‌ی کمونیستی فقط در صورتی جانب ما را خواهد گرفت که ما شرایط اقتصادی معیشت وی را تسهیل نمائیم



و آن را بهبودی بخشیم. اگر ما می توانستیم فردا ۱۰۰ هزار تراکتور درجه‌ی اول بیرون بدهیم و بنزین آن را تأمین نمائیم، راننده‌ی آن را تأمین کنیم (شما به خوبی مستحضرید که فعلاً این موضوع وهم و خیالی بیش نیست)، آن وقت دهقان میانه حال می گفت: "من طرفدار کمون هستم" (یعنی طرفدار کمونیسم). ولی برای حصول این مقصود باید ابتدا بورژوازی بین‌المللی را مغلوب کرد، باید او را مجبور کرد که این تراکتورها را به ما بدهد، یا این که باید نیروی تولیدی خود را آن قدر بالا ببریم که خود قادر به تهیه‌ی آنها باشیم. فقط این طرز طرح مسئله درست خواهد بود. « (رجوع به جلد ۲۴ ص. ۱۷۰ چاپ روسی).

لنین مسئله‌ی مربوط به طرق تجدید سلاح فنی دهقان میانه حال و طرق جلب وی را به سمت کمونیسم بدین گونه طرح می نماید.

سال گذشته نشان داد که حزب از عهده‌ی انجام این وظیفه با موفقیت بر می آید. می دانیم که برای بهار سال آینده ۱۹۳۰، ما بیش از ۶۰ هزار تراکتور در مزارع خواهیم داشت و یک سال پس از آن متجاوز از ۱۰۰ هزار تراکتور، و دو سال هم که از آن بگذرد متجاوز از ۲۵۰ هزار تراکتور. پس آن چه که چند سال قبل "وهم و خیال" محسوب می شد، اکنون ما امکان داریم آن را قدری هم چرب تر به حقیقت تبدیل نمائیم.

این است دلیل رو آوردن دهقان میانه حال به جانب "کمون".

چنین است مسئله‌ی سومین موفقیت حزب.

چنین اند موفقیت‌های عمده‌ی حزب در جریان سال گذشته.

## نتیجه

ما با سرعت هر چه تمام تر از راه صنعتی کردن؛ به سوی سوسیالیسم طی طریق می نمائیم، عقب ماندگی صد ساله‌ی "روسی" خود را عقب می گذاریم. ما به کشور فلز، به کشور اتومبیل، به کشور تراکتور مبدل می شویم. و هنگامی که اتحاد شوروی را بر اتومبیل و موژیک را بر تراکتور نشانندیم، آن وقت بگذار سرمایه‌داران محترم که بر "تمدن" خود می بالند، آزمایش کنند که خود را

به ما برسانند. آن وقت خواهیم دید که کدام یک از کشورها را می توان جزو عقب ماندگان و کدام یک را جزء پیش افتادگان "قرار داد".

"پراودا" شماره ی ۲۵۹،

۷ نوامبر سال ۱۹۲۹

امضاء: ی. استالین